

## منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا: آسه‌آن + ۳؛ چالش‌ها و فرصت‌ها

دکتر بهاره سازمندا<sup>۱</sup>

با پایان یافتن جنگ سرد و گسترش پدیده جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی نوین در طول دو دهه اخیر به یکی از اصلی‌ترین موضوعات رشته‌های علوم اجتماعی، مطالعات اروپا، سیاست مقایسه‌ای، اقتصاد بین‌الملل، روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌المللی تبدیل شده است و نوعی دیالکتیک میان جهانی‌شدن و ظهور منطقه‌گرایی در سیاست بین‌الملل به وجود آمده است. منطقه جنوب شرق آسیا از جمله مناطقی است که اگرچه موضوع منطقه‌گرایی در آن، شکل‌گیری اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه‌آن)، به دوران جنگ سرد و به صورت مشخص به سال ۱۹۶۷ باز می‌گردد، اما از دهه ۱۹۹۰ این موضوع در آن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار شده است و می‌توان این امر را در چارچوب شکل‌گیری ترتیبات و سازمان‌های منطقه‌ای مشاهده کرد. با وقوع بحران مالی در سال ۱۹۹۷، تلاش‌هایی در جهت گسترش همکاری میان کشورهای عضو آسه‌آن و سه کشور واقع در منطقه شمال شرق آسیا یعنی چین، ژاپن و کره جنوبی آغاز شده است که طرح آسه‌آن+۳ (یعنی آسه‌آن + کره جنوبی، ژاپن و چین) از مهم‌ترین نمودهای آن محسوب می‌شود. این طرح ابتدا در سال ۱۹۹۷ در کوالالامپور مطرح شد و مقرر شد اعضای آسه‌آن با سه کشور منطقه شمال شرق آسیا همکاری‌های گسترده‌ای را در حوزه‌های مختلف مالی، اقتصادی و تجاری صورت دهند. اما ملاحظه می‌شود با برطرف شدن بحران مالی همکاری میان آسه‌آن و سه کشور مذکور علاوه بر حوزه اقتصادی و تجاری، به

حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز تسری یافته است. به نحوی که در اجلاس سران آسه‌آن+۳ که در سال ۲۰۰۴ برگزار شد، مقرر گردید تا اعضا تلاش خود را برای شکل‌گیری «جامعه شرق آسیا»<sup>۱</sup> در تمامی حوزه‌ها به کار برند. هدف نگارنده، بررسی امکانات و محذورات تحقق جامعه شرق آسیا و منطقه‌گرایی در شرق آسیا است. این مقاله از پنج بخش تشکیل شده است، در بخش اول، تلاش‌های صورت گرفته در زمینه منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا از زمان شکل‌گیری آسه‌آن تا قبل از اجرایی شدن چارچوب آسه‌آن+۳ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم زمینه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آسه‌آن+۳ مورد بحث قرار می‌گیرد؛ در بخش سوم پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه همکاری‌های مالی و اقتصادی میان کشورهای منطقه شرق آسیا (آسه‌آن+۳) بررسی می‌شود؛ در بخش چهارم، چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی تحقق منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا بیان می‌شود؛ و بالاخره در بخش پنجم راه‌کارهایی جهت تحقق منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا ارائه خواهد شد.

**واژه‌های کلیدی:** منطقه‌گرایی، همکاری اقتصادی، آسه‌آن، آسه‌آن+۳، شرق آسیا.

طبقه‌بندی JEL: F15, F13, F02

## (۱) مقدمه

به دنبال وقوع بحران مالی و اقتصادی در آسیا در سال ۱۹۹۷، ۱۳ کشور شمال و جنوب شرق آسیا یعنی ۱۰ عضو اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه‌آن)<sup>۲</sup> و سه کشور ژاپن، چین و کره جنوبی به منظور مقابله با گسترش بحران اقتصادی به وجود آمده و همچنین جلوگیری از تکرار بحران به وجود آمده در آینده، نشست‌ها و اجلاس‌هایی

1-East Asia Community

۲- سازمان منطقه‌ای آسه‌آن هم‌اکنون دارای ۱۰ عضو است که این اعضا عبارتند از: تایلند، سنگاپور، فیلیپین، مالزی، اندونزی، برونئی دارالسلام، ویتنام، لائوس، کامبوج و میانمار.

را به صورت منظم و قاعده‌مند در سطوح مختلف سران حکومت‌ها، وزرا و کارشناسان ارشد برگزار کردند.

با ابتکار عمل آسه‌آن، نشست‌ها و اجلاس‌های چندجانبه‌ای بین دولت‌های عضو آسه‌آن و ژاپن، چین و کره جنوبی از سال ۱۹۹۷ به بعد برگزار شد. دو سال بعد از وقوع بحران مالی و اقتصادی در آسیا، یعنی در سال ۱۹۹۹، گروهی که هم‌اکنون با عنوان «آسه‌آن+۳»<sup>۱</sup> شناخته می‌شوند و اعضای آن ۱۳ کشور منطقه شمال و جنوب شرق آسیا هستند، بیانیه مشترکی را درباره همکاری میان کشورهای شرق آسیا به امضاء رساندند که به موجب آن خود را به تقویت زمینه‌های گفتگو و تبادل نظر در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، مالی و اقتصادی متعهد دانستند و خواهان تقویت همکاری میان کشورهای منطقه شرق آسیا در این حوزه‌ها شدند (Hund, 2003: 384).

از آن زمان به بعد، پویایی‌های این فرایند سبب شده است که برخی از ناظران و پژوهشگران این حوزه مثل ریچارد استابس<sup>۲</sup> و ریچارد هیگت<sup>۳</sup>، آسه‌آن+۳ را به عنوان گامی دیگر در راه منطقه‌گرایی در شرق آسیا و یا به عنوان تجلی هویت جمعی در شرق آسیا قلمداد کنند که از طریق تعامل فزاینده بین حکومت‌های شرق آسیا، منطقه‌گرایی سیاسی و اقتصادی و افزایش وابستگی‌های متقابل در حوزه‌های مختلف تقویت خواهد شد (Ibid., : 384).

پرسش‌های اصلی مقاله حاضر چنین است: آیا منطقه‌گرایی آن هم در این سطح وسیع جغرافیایی در منطقه محقق خواهد شد؟ زمینه‌ها و بسترهای تحقق منطقه‌گرایی در شرق آسیا کدام‌اند؟ چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی تحقق آن در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی کدام‌اند؟ و بالاخره این که چگونه می‌توان بر چالش‌ها و موانع منطقه‌ای و بین‌المللی پیش روی منطقه‌گرایی در شرق آسیا فائق آمد؟

هدف این مقاله، بررسی امکان تحقق منطقه‌گرایی در شرق آسیا در قالب آسه‌آن+

1- ASEAN Plus Three

2- Richard Stubbs

3- Richard Higgott

۳ است. مقاله حاضر از پنج بخش تشکیل شده است. در بخش اول تلاش‌های صورت گرفته در زمینه منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا از زمان شکل‌گیری آسه‌آن تا قبل از اجرایی شدن طرح آسه آن+۳ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه زمینه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آسه آن+۳ ارائه می‌شود. سپس در بخش سوم پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه همکاری نهادی و اقتصادی میان آسه آن+۳ بررسی می‌شود. در بخش چهارم چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی تحقق منطقه‌گرایی اقتصادی در کل منطقه شرق آسیا ارائه شده است. در پایان، راه‌کارهایی نیز جهت تحقق مطلوب جامعه اقتصادی در شرق آسیا ارائه می‌گردد.

## ۲) منطقه‌گرایی در شرق آسیا (۱۹۹۷-۱۹۶۷)

اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) در سال ۱۹۶۷ به منظور ترویج و تسهیل توسعه اقتصادی درون-منطقه‌ای، ترویج و گسترش پیشرفت فرهنگی و اجتماعی، و تضمین صلح و ثبات در منطقه جنوب شرق آسیا به وجود آمد. اما اعضاء در جهت تحقق این اهداف، فرایندهای دشواری را پیش‌رو داشتند که موجب شد تقریباً حدود یک دهه این اهداف عملی و اجرایی نشوند. با خروج امریکا از منطقه هندوچین در سال ۱۹۷۶ و استقرار حکومت‌های کمونیستی در آنجا، دغدغه امنیت منطقه‌ای انگیزه‌ای مؤثر برای از سرگیری مذاکرات اعضای آسه‌آن فراهم نمود. بنابراین، بعد از اجلاس سران آسه‌آن در «بالی» اندونزی، به تدریج تلاش برای اجرای اهداف نهاد آسه‌آن از سر گرفته شد و فعالیت‌های آسه‌آن گسترش پیدا کرد (Hussey, 1991 : 87-88).

در مورد میزان همکاری و همگرایی اقتصادی در درون نهاد آسه‌آن باید گفت که از همان سال ۱۹۷۶ و برگزاری اجلاس سران در بالی، سه پروژه اقتصادی تعریف شد که دو مورد از آنها صنعتی، و سومی هم برای تسهیل تجارت طراحی و تدوین شد. دو طرح صنعتی مورد توافق در فرایند اجرا با مشکلاتی مواجه شد، اما سومی که موافقتنامه تجارت ترجیحی بود، در سال ۱۹۷۷ به امضای اعضای آسه‌آن رسید و به مرحله اجرا درآمد.

مهم‌ترین فعالیت آسه‌آن در حوزه اقتصادی در دهه ۱۹۸۰، ارائه طرح ایجاد «منطقه آزاد تجاری آسه‌آن» بود. در این راستا، در سومین اجلاس سران کشورهای عضو آسه‌آن در سال ۱۹۸۷ بر طرح ایجاد «منطقه آزاد تجاری آسه‌آن» (افتا)<sup>۱</sup> تأکید شد. کشورهای عضو دریافتند که ترتیبات ترجیحی تجاری پیش‌بینی شده در اجلاس سران در حالی فاقد کارایی لازم است و لذا در سال ۱۹۸۷ به تلاش برای یافتن راه تازه‌ای جهت افزایش مبادلات تجاری بین خود مبادرت ورزیدند. حاصل این تلاش‌ها، ارائه طرح شکل‌گیری «منطقه آزاد تجاری آسه‌آن» بود که گسترده‌تر از موافقتنامه تجاری ترجیحی بود. این طرح در سال ۱۹۷۷ به امضای دولت‌های عضو آسه‌آن رسید و اهداف گسترده‌ای را در مورد رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای به منظور ایجاد یک منطقه آزاد تجاری در جنوب شرقی آسیا ترسیم می‌نمود، زیرا هدف موافقتنامه ترجیحی تجاری کاهش تعرفه‌ها بود، در حالی که هدف منطقه آزاد تجاری، حذف کامل تعرفه‌ها بود (Palmutjoki, 2001: 52; Pasadilla, 2004: 4). این مسئله خود نشان از پیشرفت فرایند همگرایی اقتصادی در میان دولت‌های عضو آسه‌آن داشت و همان‌طور که گفته شد سران کشورهای عضو آسه‌آن برای رسیدن به این هدف طرح آن را در سومین نشست خود در سال ۱۹۸۷ مطرح کرده و امضاء کردند.

با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، مهمترین شاخص همگرایی اقتصادی با شکل‌گیری «افتا» یا همان منطقه آزاد تجاری آسه‌آن در میان اعضای آسه‌آن محقق شد. در جولای ۱۹۹۱، نخست‌وزیر تایلند، موضوع شکل‌گیری منطقه آزاد تجاری آسه‌آن را اعلام کرد. یک ماه قبل از آن یعنی در ژوئن ۱۹۹۱، نخست‌وزیر تایلند، برای اولین بار این موضوع را با نخست‌وزیر سنگاپور<sup>۳</sup> در میان گذاشته بود و سپس این ایده را در ماه بعد با دیگر اعضای آسه‌آن مطرح نمود (Stubbs, 2002: 30). این موضوع در ژوئیه ۱۹۹۱ به عنوان یکی از پروژه‌های آسه‌آن به منظور همگرایی اقتصادی مورد تأکید وزرای امور خارجه آسه‌آن قرار گرفت و متعاقباً هم در بیست و سومین جلسه وزرای اقتصاد

1- ASEAN Free Trade Area (AFTA)

2- Anand Panyarachun

3- Goh Chok Thong

آسه‌آن در اکتبر همان سال مورد تأکید مجدد قرار گرفت. در آن نشست، وزرای اقتصاد دولت‌های عضو با تأسیس افتا موافقت کردند و بیان داشتند که در طول یک دوره زمانی پانزده ساله ترتیبات ایجاد بازار منطقه‌ای واحد در منطقه جنوب شرق آسیا به نحوی فراهم شود که تعرفه‌های داخلی مقرر شده بر روی کالاها بین صفر تا پنج درصد باشد. ابزاری هم که برای عملی شدن پروژه افتا در نظر گرفته شد، طرح «سپت»<sup>۱</sup> یا تعرفه ترجیحی مؤثر مشترک بود (Nesaduria, 2003: 53).

بنابراین، اجرای طرح ایجاد منطقه آزاد تجاری در سال ۱۹۹۲ محقق شد و افتا در درون آسه‌آن شکل گرفت. با ایجاد افتا، سازوکاری هم برای عملی شدن منطقه آزاد تجاری آسه‌آن در چارچوب موافقتنامه سپت اندیشیده شد. به دنبال امضای این موافقتنامه، اقداماتی برای تحقق افتا به صورت متناوب صورت گرفت که به ترتیب زمانی عبارت بودند از: تلاش جهت کاهش تعرفه‌ها، کاهش فهرست کالاهای مستثنی شده، ورود محصولات کشاورزی فراوری شده به طرح سپت، گسترش حوزه شمول سپت به محصولات کشاورزی فراوری نشده، کاهش موانع غیرتعرفه‌ای و طرح گسترش حوزه افتا به بخش‌های خدمات، سرمایه‌گذاری و کالاهای صنعتی.

همزمان با ارائه طرح افتا از سوی اعضای آسه‌آن، طرح «منطقه‌گرایی در شرق آسیا» توسط ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر وقت مالزی، در قالب تشکیل «گروه اقتصادی شرق آسیا»<sup>۲</sup> ارائه شد. هدف وی این بود که یک بلوک اقتصادی در شرق آسیا ایجاد شود که نوعی پاسخی آسیایی برای نتایج نامعلوم دور اروگوئه گات و طرح‌های ایجاد بلوک اقتصادی در شمال آمریکا و اروپای غربی در قالب نفتا و اتحادیه اروپا باشد (Hund, 2002: 55). ماهاتیر محمد در طرح خود مفهوم «شرق آسیا» را مطرح کرد و هدفش این بود که شمال و جنوب شرق آسیا را در یک موجودیت واحد گرد هم آورد. اما برخی از اعضای آسه‌آن، مخصوصاً سنگاپور و اندونزی با این طرح مخالفت کردند، زیرا آنها مخالف ایده شکل‌گیری همکاری انحصاری شرق آسیا بودند و به جای آن ترجیح می‌دادند که با

1- Common Effective Preferential Tariff

2- East Asian Economic Group (EAEG)

ایالات متحده آمریکا در قالب «آپک»<sup>۱</sup> همکاری کنند. با وجود این، ماهاتیر محمد بر ایده خود در ارتباط با همکاری شرق آسیا تأکید کرد و با کاهش اختلاف نظرهای سنگاپور و اندونزی با مالزی، شورای وزرای امور خارجه آسه‌آن در سال ۱۹۹۳ با طرح تأسیس کمیته اقتصادی شرق آسیا به عنوان یک کمیته مشخص در درون آپک موافقت کرد، اما این طرح هرگز به مرحله اجرا نرسید (Ibid.).

به دنبال عدم تحقق طرح تشکیل گروه اقتصادی شرق آسیا، عنوان طرح ماهاتیر محمد از «گروه اقتصادی شرق آسیا» به «کمیته اقتصادی شرق آسیا»<sup>۲</sup> تغییر کرد. اگرچه بر سر تحقق این طرح هم گفتگوهای صورت گرفت، اما این طرح نیز مانند طرح قبلی نتوانست به مرحله اجرا درآید. وزیر امور خارجه وقت فیلیپین<sup>۳</sup> بیان کرد که طرح ایجاد کمیته اقتصادی شرق آسیا، زمینه اولیه‌ای را برای تأسیس یک نهاد منطقه‌ای در شرق آسیا فراهم می‌کند و شرق آسیا یک مفهوم جدید منطقه‌ای است که دربرگیرنده کشورهای عضو نهادهای منطقه‌ای «پاسیفیک»، «جنوب شرق آسیا» و «آسیا-پاسیفیک» می‌باشد که این نهادها به ترتیب عبارتند از «شورای همکاری اقتصادی پاسیفیک»<sup>۴</sup>، «آسه‌آن» و «آپک» (Terada, 2003: 252). حتی شکل بازمینی شده طرح ماهاتیر محمد با مخالفت‌های جدی از سوی آمریکا و استرالیا مواجه شد. نگرانی‌هایی درباره پیامدهای اجرای چنین نهادی وجود داشت؛ مبنی بر این که تأسیس چنین کمیته‌ای ممکن است هم بر عملکرد آپک و هم بر اقتصاد جهانی تأثیر منفی بگذارد و حتی باعث تقسیم اقتصاد جهانی به بخش‌ها و بلوک‌های منطقه‌ای شود. در نتیجه، حکومت ایالات متحده آمریکا فشار قابل توجهی را بر ژاپن و کره جنوبی برای رد این طرح وارد کرد. ژاپن به نوعی بر سر دو راهی قرار گرفته بود؛ زیرا هم می‌خواست از یک سو روابط گسترده‌ای با شرکای تجاری نوظهور خود در آسیای شرقی داشته باشد و هم رابطه خود را با متحد سنتی اقتصادی و نظامی خود (ایالات متحده آمریکا) حفظ کند. همچنین در میان خود اعضای آسه‌آن

---

1- APEC

2- East Asian Economic Caucus (EAEC)

3- Domingo Siazon

4- PECC

هم مخالفت‌هایی با طرح مالزی صورت گرفت که عمده مخالفت‌ها و نگرانی‌ها از سوی اندونزی ابراز شد؛ زیرا اندونزی همیشه رقابت‌های گسترده‌ای را با همسایه خود (مالزی) داشته است (Stubbs, 2002: 441).

بنابراین، در ابتدا پذیرش مفهوم «شرق آسیا» برای خیلی از کشورهای منطقه مشکل بود، زیرا اپک یک نهاد منطقه‌ای مفید محسوب می‌شد و بیشتر کشورهای حوزه شرق آسیا ایجاد یک نهاد منطقه‌ای دیگر را غیرضروری می‌دانستند. اما مالزی تلاش کرد که تحقق هدف خود را از طریق نهاد منطقه‌ای آسه‌آن دنبال کند و توانست در این زمینه تا حدودی به موفقیت‌هایی هم دست پیدا کند. موضوعات و پروژه‌هایی در طول دهه ۱۹۹۰ از طریق برگزاری اجلاس‌ها و نشست‌های رسمی و غیررسمی در سطح سران به منظور ایجاد یک نهاد منطقه‌ای در شرق آسیا دنبال شد و اعلامیه‌های آسه‌آن مبین اجماع آسه‌آن درباره کار برای تحقق کمیته اقتصادی در شرق آسیا بود (Ibid.,: 256).

از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷ وزرای امور خارجه آسه‌آن در طول اجلاس‌های سالانه خود درباره کمیته اقتصادی شرق آسیا به بحث و تبادل نظر پرداختند. در واقع، اعلامیه‌های مشترک نشست‌های وزرای آسه‌آن از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ بیشتر به کمیته اقتصادی شرق آسیا اشاره داشت. همچنین درباره کمیته اقتصادی شرق آسیا در طول اجلاس‌های سران آسه‌آن که در سال ۱۹۹۲ در سنگاپور، و در سال ۱۹۹۵ در بانکوک برگزار شد، بحث و تبادل نظر شد و این امر در اعلامیه‌های سنگاپور (۱۹۹۲) و بانکوک (۱۹۹۵) دیده می‌شود.<sup>۱</sup>

در اجلاس وزرای امور خارجه آسه‌آن در سال ۱۹۹۳ پیشنهاد شد که کمیته اقتصادی شرق آسیا به عنوان یک کمیته در چارچوب اپک تشکیل شود و حتی اپک یک دبیرخانه کوچک را در ۱۹۹۳ در سنگاپور ایجاد کرد و اولین نشست سران آن در نوامبر ۱۹۹۳ در سیاتل برگزار شد. سپس اعضای آسه‌آن از ژاپن، چین و کره جنوبی خواستند که به عنوان نمایندگان آسیایی به آنها بپیوندند. ابتدا ژاپن چندان مایل به این امر نبود؛ زیرا نگران خدشه‌دار شدن اتحادش با ایالات متحده آمریکا بود. چین هم نگران آن بود که

1- The Bangkok Summit Declaration of 1995, The Singapore Summit Declaration of 1992.



درباره نقض حقوق بشر مورد انتقاد سایر اعضا قرار بگیرد. با وجود این، همه نمایندگان سه کشور شمال شرق آسیا در اجلاس‌ها و نشست‌های اولیه که در نیمه دوم سال ۱۹۹۵ برگزار شد شرکت کردند (Stubbs, Op.Cit.: 442).

در طرحی که ماهاتیر محمد ارائه داده بود مقرر شده بود که ژاپن رهبری این منطقه‌گرایی را در شرق آسیا بر عهده بگیرد؛ زیرا ژاپن دومین اقتصاد بزرگ جهان و یکی از اعضای گروه هشت<sup>۱</sup> بود و می‌توانست رهبری این کمیته اقتصادی شرق آسیا را بر عهده بگیرد. اما ژاپن تمایل چندانی به حمایت از این طرح در آن مقطع زمانی از خود نشان نداد و بیشتر طرفدار مفهوم «آسیا-پاسیفیک» به جای «شرق آسیا» به عنوان مبنایی برای ترویج همکاری اقتصادی منطقه‌ای بود. علت هم این بود که هم ژاپن و هم استرالیا در تاسیس اپک در سال ۱۹۸۹ نقش رهبری منطقه‌ای را بر عهده گرفته بودند و این نهاد تا آن مقطع زمانی به عنوان یک نهاد منطقه‌ای موفق عمل کرده بود (Terada, Op.Cit.: 257).

در واقع، اگرچه اعضای آسه‌آن منافع مشترک و مستقیمی در شکل‌گیری کمیته اقتصادی شرق آسیا نداشتند و اقدامات مؤثری را هم جهت تحقق کمیته اقتصادی شرق آسیا انجام نداده بودند، اما به طرح تشکیل کمیته اقتصادی شرق آسیا ماهاتیر محمد به منظور حفظ انسجام و همبستگی در میان کشورهای منطقه احترام گذاشتند. بنابراین، به جای کنار گذاشتن این طرح، تلاش خود را برای شکل‌گیری مفهوم منطقه‌ای شرق آسیا به کار گرفتند و از رهبران چین، ژاپن و کره جنوبی برای بحث و تبادل نظر غیررسمی دعوت کردند. در بیست و هفتمین نشست وزرای امور خارجه آسه‌آن در بانکوک که در جولای ۱۹۹۴ برگزار شد وزرای امور خارجه آسه‌آن، چین، ژاپن و کره جنوبی در یک جلسه غیررسمی درباره ابعاد کمیته اقتصادی شرق آسیا به بحث و تبادل نظر پرداختند و در اجلاس‌های ۱۹۹۵ بروئی و ۱۹۹۶ جاکارتا به توافقاتی در این زمینه دست یافتند (Ibid.: 262). در نتیجه این

تلاش‌ها اولین اجلاس غیررسمی سران آسه‌آن+۳ در سال ۱۹۹۷ بعد از وقوع بحران مالی در آسیا در کوالالمپور برگزار شد و اولین گام مؤثر در جهت شکل‌گیری آسه‌آن+۳ برداشته شد.

### ۳) زمینه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آسه‌آن+۳

عمده‌تلاش‌های صورت گرفته در زمینه تحقق آسه‌آن+۳ در منطقه شرق آسیا، تحت تأثیر دو دسته عوامل درون-منطقه‌ای و برون-منطقه‌ای صورت گرفته است. این عوامل سبب شدند تا کشورهای منطقه، به خصوص کشورهای حوزه شمال شرق آسیا بازمینی جدی‌ای را در سیاست‌های تجارت خارجی خود صورت داده و تلاش گسترده‌ای را برای گسترش تجارت درون-منطقه‌ای انجام دهند. عواملی همچون وقوع بحران مالی و اقتصادی در آسیا در ۱۹۹۸-۱۹۹۷ و افزایش نرخ تجارت درون-منطقه‌ای در آسیا در دهه ۱۹۹۰ از جمله عوامل درون-منطقه‌ای و گسترش منطقه‌گرایی در دیگر مناطق جهان در زمره عوامل برون-منطقه‌ای در شکل‌گیری آسه‌آن+۳ محسوب می‌شوند.

#### ۳-۱) وقوع بحران مالی و اقتصادی در آسیا در سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۷

با آشکار شدن نشانه‌های اولیه بحران مالی و اقتصادی، نخستین نشست آسه‌آن+۳ برگزار شد. بحران مالی و اقتصادی ثابت کرد که می‌تواند به عنوان کاتالیزوری برای نهادینه کردن ترتیبات منطقه‌ای جدید عمل نماید؛ زیرا تأثیر شوک برانگیز گسترش دومینویی بحران سبب شد تا کشورهای منطقه بیش از پیش به افزایش همکاری‌های مالی و اقتصادی با یکدیگر علاقه‌مند شوند (Stubbs, Op.Cit.,: 441). بحران مالی و اقتصادی سبب ایجاد یک تجربه تاریخی مشترک برای کشورهای منطقه شد. حتی کشورهایی که مستقیماً تحت تأثیر بحران قرار نگرفته بودند، انعکاس و پیامدهای آن را احساس کردند و مجبور شدند اقداماتی را برای رفع آن انجام دهند. از سوی دیگر، وقوع بحران غیرمؤثر بودن ترتیبات منطقه‌ای موجود مثل آپک و آسه‌آن را ثابت کرد؛ زیرا هیچ یک از این دو نهاد منطقه‌ای نتوانستند کمک مؤثری به کشورهای تأثیرپذیرفته از بحران ارائه کنند.

همچنین وقوع بحران سبب شکل‌گیری اجماع و توافقی میان کشورهای منطقه بر سر این موضوع شد که صندوق بین‌المللی پول به رهبری ایالات متحده آمریکا مشکل را اشتباه تشخیص داده و راه‌حل‌های ارائه شده از سوی صندوق به جای رفع بحران به وخیم‌تر شدن اوضاع کمک کرده است. صندوق بین‌المللی پول با مجاز دانستن افزایش نرخ سود و جریان آزادانه پول به آسانی خصوصیت بحران مالی و پولی آسیایی را نادیده گرفت و منطقه وارد رکود اقتصادی عمیق شد. به علاوه، مخالفت ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی با پیشنهاد تأسیس صندوق پولی آسیایی<sup>۱</sup> که ابزاری منطقه‌ای برای کاهش اثرات منفی بحران بود، خشم کشورهای منطقه را برانگیخت (Ibid.,: 448-449).

در مجموع، می‌توان گفت که بحران مالی و اقتصادی آسیایی به کشورهای منطقه آموخت که اولاً، نیازمند ایجاد برخی سازوکارهای منطقه‌ای مبتنی بر اصل خودیاری<sup>۲</sup> به منظور جلوگیری از گسترش بحران مالی منطقه‌ای، مدیریت و حل آن هستند؛ ثانیاً این تلاش‌های منطقه‌ای نشان‌دهنده عدم رضایت کشورهای منطقه شرق آسیا از ترتیبات مالی جهانی موجود مثل صندوق بین‌المللی پول<sup>۳</sup> بود؛ و ثالثاً نشان‌دهنده آن بود که کشورهای منطقه دریافته‌اند که ثبات مالی منطقه‌ای به عنوان اساس ثبات مالی جهانی به حساب می‌آید و تمایل خود را برای ایفای نقش مؤثر در مدیریت مالی جهانی ابراز کرده‌اند (Kawai, 2005: 29).

## ۲-۳) توسعه منطقه‌گرایی در دیگر نقاط جهان

موفقیت دیگر سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای مثل اتحادیه اروپا و نفتا<sup>۴</sup> و محدودیت‌های آشکار آسه‌آن و آپک یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر گسترش منطقه‌گرایی در شرق آسیا محسوب می‌شود. به تعبیر دیگر، گسترش منطقه‌گرایی در دیگر مناطق جهان مانند شکل‌گیری اتحادیه اقتصادی و پولی در اروپا، گسترش

۱- در بخش بعد به تفصیل به این موضوع پرداخته خواهد شد.

2- Self-Help Principle

3- IMF

4- North American Free Trade Agreement (NAFTA)

اتحادیه اروپا، موفقیت نفتا و حرکت آن به سمت منطقه آزاد تجاری حوزه آمریکا از دیگر عواملی است که سبب شد کشورهای شرق آسیا به دنبال ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای برآیند و قدرت چانه زنی خود را در مقابل ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا افزایش دهند. اما از سوی دیگر، دولت‌های شرق آسیا نگران این مسئله بودند که با تقویت ترتیبات تجاری منطقه‌ای شرق آسیا موقعیت خود را در رقابت‌های جهانی و دیگر سازوکارهای منطقه‌ای مثل اپک و آسه‌آن از دست بدهند (Chuan Ong, 2003: 58; Kawai, 2005: 29).

### ۳-۳) گسترش سریع تجارت در منطقه آسیا (۱۹۹۷-۱۹۹۰)

نرخ رشد تجارت منطقه‌ای آسیا در طول دهه ۱۹۹۰ ثابت کرد که این نرخ رشد بیشتر از دیگر نقاط جهان در مقطع مذکور بوده است و می‌تواند زمینه‌هایی از امیدواری را در بین اعضاء ایجاد کند. میانگین نرخ رشد تجارت منطقه‌ای در فاصله زمانی ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷، دوازده درصد بود. در طول این دوره آسیا به عنوان بزرگترین بازار برای صادرات کالاهای آسیایی بود و این موقعیت برتر حتی بعد از بحران مالی آسیایی هم حفظ شده است (Chuan Ong, Op.Cit.).

### ۴) پیشرفت‌های حاصل شده در زمینه تحقق آسه‌آن+۳

فرایند تحقق آسه‌آن+۳ از زمان اولین نشست اعضای آسه‌آن+۳ در سال ۱۹۹۷، پویایی‌های اولیه خوبی را از خود نشان داده است. متعاقب بیانیه مشترک همکاری شرق آسیا در سال ۱۹۹۹، نشست‌ها و جلسه‌های متعددی در سطوح مختلف سران، وزرای امور خارجه، وزرای مالی، وزرای اقتصاد و کارشناسان حوزه‌های مذکور صورت گرفته است. این نشست‌ها در لایه‌های مختلفی برگزار شده است. در واقع، چارچوب آسه‌آن+۳ یک ساختار چند لایه است که متشکل از سه سطح مجزا است: سطح آسه‌آن+۳، سطح آسه‌آن+۱، و سطح آسه‌آن+۳. سطح آسه‌آن+۳ سطحی است که در آن نمایندگان تمامی ۱۳ کشور منطقه حضور دارند. سطح آسه‌آن+۱ سطحی است که

نمایندگان یکی از سه کشور چین، ژاپن و کره جنوبی به همراه تمامی نمایندگان آسه‌آن حضور دارند و بالاخره سطح+۳ سطحی است که در آن تنها نمایندگان سه کشور چین، ژاپن و کره جنوبی حضور دارند و هیچ یک از نمایندگان آسه‌آن در آن شرکت ندارند<sup>۱</sup> (Suzuki, 2004: 2).

شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های چارچوب آسه‌آن+۳ این است که زمینه اصلی اغلب فعالیت‌ها و تصمیمات اجرایی آن در جلسات و نشست‌های نمایندگان دولت‌های عضو فراهم شده است. این روش «دیپلماسی کنفرانس»<sup>۲</sup> نامیده می‌شود. دیپلماسی کنفرانس به عنوان بخشی از مدیریت روابط بین دولت‌ها و همچنین بخشی از مدیریت روابط بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است که در کنفرانس‌های بین‌المللی اتفاق می‌افتد. این نوع از دیپلماسی در بیشتر نشست‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی که معمولاً یا به صورت فوق‌العاده و یا بر اساس سند تاسیس سازمان‌های بین‌المللی باید برگزار شوند، اتفاق می‌افتد. به تعبیر دیگر، مفهوم دیپلماسی کنفرانس مبنایی برای فهم ابعاد نهادی چارچوب‌هایی که در آن همکاری از طریق نشست‌ها و جلسه‌های نمایندگان رسمی دولت‌ها ترویج می‌شود، محسوب می‌گردد. چارچوب آسه‌آن+۳ هم از طریق دیپلماسی کنفرانس که همان نشست‌ها و اجلاس‌های نمایندگان حکومت‌های عضو است نهادینه و تقویت شده است (Ibid.). مهم‌ترین نشست‌های آسه‌آن+۳ در سطوح مختلف و در حوزه‌های اقتصادی و مالی به شرح ذیل بوده‌اند:

جدول شماره ۱- اجلاس‌های آسه‌آن+۳

| تاریخ آخرین اجلاس | نحوه برگزاری  | تأسیس | سطح اجلاس                 |
|-------------------|---------------|-------|---------------------------|
| ۲۰۰۸              | یک بار در سال | ۱۹۹۷  | اجلاس سران APT            |
| ۲۰۰۸              | یک بار در سال | ۲۰۰۰  | نشست وزرای امور خارجه APT |

۱- باید بین دو مفهوم «چارچوب آسه‌آن+۳» و «آسه‌آن+۳» تمایز قائل شد. چارچوب آسه‌آن+۳ به عنوان یک چارچوب کلی است که در برگیرنده هر سه سطح گفته شده است، در حالی که آسه‌آن+۳ تنها مبین یک سطح در درون چارچوب کلی آسه‌آن+۳ است که سه کشور چین، ژاپن، کره جنوبی و تمامی ۱۰ عضو آسه‌آن در آن حضور دارند.

|      |               |      |  |
|------|---------------|------|--|
| ۲۰۰۸ | دو بار در سال | ۲۰۰۰ | نشست کارشناسان ارشد امور خارجه APT                   |
| ۲۰۰۸ | دو بار در سال | ۲۰۰۳ | نشست مدیران کل APT                                   |
| ۲۰۰۸ | یک بار در سال | ۲۰۰۰ | نشست وزرای اقتصاد APT                                |
| ۲۰۰۸ | سه بار در سال | ۲۰۰۰ | نشست مقامات ارشد اقتصادی APT                         |
| ۲۰۰۹ | یک بار در سال | ۲۰۰۵ | گروه متخصصین بررسی امکان سنجی ایجاد منطقه آزاد تجاری |
| ۲۰۰۸ | یک بار در سال | ۱۹۹۹ | نشست وزرای مالی APT                                  |
| ۲۰۰۸ | دو بار در سال | ۲۰۰۲ | نشست غیررسمی نمایندگان بانکهای مرکزی                 |

منبع: دبیرخانه آسه آن.

### ۱-۴) چارچوب نهادی و سازمانی آسه آن+۳

چارچوب آسه آن+۳ هنوز به یک نهاد منطقه‌ای در شرق آسیا تبدیل نشده است، اما برخی تلاش‌ها برای نهادینه کردن این نشست‌ها و اجلاس‌های برگزار شده در سطوح مختلف صورت گرفته است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. اولین بار طرح ایجاد دبیرخانه<sup>۱</sup> آسه آن+۳ از سوی کشور مالزی در سال ۲۰۰۱ ارائه شد. در ادامه در سی و پنجمین نشست وزرای امور خارجه اعضای آسه آن که در ژوئیه سال ۲۰۰۲ در بروئی برگزار شد، مالزی تمایل خود را برای اختصاص ۱۰ میلیون دلار جهت هزینه عملیات اجرایی تشکیل دبیرخانه آسه آن+۳ در پنج سال اولیه تشکیل آن ابراز نمود، اما مقامات ارشد اعضای آسه آن شرط‌های خود را در مورد طرح مالزی ارائه کرده و تأکید کردند که ترجیح می‌دهند دبیرخانه آسه آن را برای ترویج همکاری‌ها در چارچوب آسه آن+۳ تقویت کنند. در طول این اجلاس مقامات ارشد درباره سه گزینه با یکدیگر به بحث و تبادل نظر پرداختند. این سه گزینه عبارت بودند از:

۱. طرح مالزی برای ایجاد یک دبیرخانه جدید آسه آن+۳؛

۲. گسترش دبیرخانه آسه آن در جاکارتا؛

۳. تأسیس دفتر آسه آن+۳ در درون دبیرخانه آسه آن.

۱- دبیرخانه یکی از ارکان اصلی و ضروری برای تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای محسوب می‌شود.

گزینه دوم به معنای حفظ سازوکار موجود در دبیرخانه آسه‌آن بدون ایجاد تغییر در ساختار نهادی آن بود. دبیرخانه آسه‌آن حمایت خود را از گزینه دوم به عمل آورد و پذیرفت که واحد آسه‌آن+۳ را در درون دفتر همکاری و روابط خارجی دبیرخانه آسه‌آن مستقر کند، زیرا ایجاد واحد آسه‌آن+۳ به خاطر وجود محدودیت‌های کارکنان و بودجه دبیرخانه بسیار آسان‌تر و به‌صرفه‌تر از تأسیس یک دفتر جدید در دبیرخانه آسه‌آن با عنوان دفتر آسه‌آن+۳ بود (Ibid.,: 9).

از سوی دیگر در همان سال ۲۰۰۱ نیز ایده «اجلاس شرق آسیا»<sup>۱</sup> به جای اجلاس آسه‌آن+۳ ارائه شد. مطابق گزارش گروه مطالعاتی شرق آسیا که در سال ۲۰۰۲ به اجلاس سران آسه‌آن+۳ ارائه شد، سه ابزار مهم برای همکاری نهادی در شرق آسیا ارائه شد که عبارت بودند از:

- تبدیل اجلاس آسه‌آن+۳ به اجلاس شرق آسیا؛
- نهادینه کردن گفتگوهای منطقه‌ای که در قالب نشست‌های منظم وزرای امور خارجه، سران، وزرای مالی، اقتصاد و کارشناسان رسمی صورت می‌گرفت و متمایز کردن موضوعات سیاسی و امنیتی از موضوعات اقتصادی و مالی؛
- ایجاد چارچوبی با عنوان شرق آسیا متشکل از نمایندگان حکومتی و غیرحکومتی منطقه‌ای بخش‌های مختلف با هدف خدمت به عنوان سازوکار نهادی برای همکاری منطقه‌ای (Ibid.,: 10).

## ۲-۴) همکاری‌های مالی

بلافاصله پس از وقوع بحران مالی و اقتصادی در آسیا همکاری‌های میان دولت‌های منطقه در حوزه‌های اقتصادی و مالی افزایش یافت که این همکاری ابتدا در حوزه مالی صورت گرفت. ژاپن و اعضای آسه‌آن با وقوع بحران به این جمع‌بندی رسیدند که برای بازسازی مالی منطقه نیازمند اتخاذ یک برنامه مالی مستقل از برنامه صندوق بین‌المللی

پول به رهبری آمریکا هستند. بنابراین، در همین راستا، ژاپن با پیشنهاد تأسیس صندوق پولی آسیایی<sup>۱</sup> در اوت ۱۹۹۷ به بحران مالی واکنش نشان داد، اما این پیشنهاد ژاپن با مخالفت ایالات متحده مواجه شد. در مرحله دوم، ژاپن پیشنهاد «ابتکار عمل میازاوا»<sup>۲</sup> را ارائه کرد که فراهم‌کننده بسته‌ای از ابزارهای حمایتی بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار آمریکا در اکتبر ۱۹۹۸ بود (Ibid.: 14). این ابتکار عمل حمایت مالی دوجانبه‌ای را برای کشورهای متأثر از بحران یعنی کره جنوبی، اندونزی، مالزی، سنگاپور، فیلیپین و تایلند فراهم می‌کرد. نیمی از این مبلغ برای اصلاح و بازسازی کوتاه مدت اقتصادی و بقیه آن برای اصلاحات و بازسازی میان مدت و درازمدت در نظر گرفته شده بود. ژاپن در راستای اصلاح و بازسازی کوتاه مدت اقتصادی موافقتنامه‌ای با کره جنوبی به ارزش پنج میلیارد دلار و موافقتنامه دیگری به ارزش ۲/۵ میلیارد دلار با مالزی امضاء کرد. این ابتکار عمل ژاپن کمک مهمی را برای اصلاح بخش‌های مالی، تقویت شبکه‌های امنیت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای کشورهای آسیب دیده از بحران فراهم کرد (Kawai, 2005: 32-33; Suzuki 2004: 14).

در راستای ابتکار عمل میازاوا ژاپن، چین و کره جنوبی هم علاقه‌مندی خود را به امضای این گونه موافقتنامه‌ها با کشورهای آسیب‌دیده از بحران نشان دادند؛ به طوری که شبکه‌ای از موافقتنامه‌های مالی و پولی دوجانبه میان ژاپن، چین و کره جنوبی و شش کشور عضو آسه‌آن منعقد شد (Suzuki, Op.Cit.: 15).

سپس در آوریل ۱۹۹۹ وزرای مالی آسه‌آن+۳ برای اولین بار با یکدیگر ملاقات کردند. در دومین نشست وزرای مالی آسه‌آن+۳ که در مه سال ۲۰۰۰ برگزار شد، «ابتکار عمل چیانگ‌می»<sup>۳</sup> ارائه گردید. در واقع، وزرای مالی کشورهای آسه‌آن+۳ با امضای این ابتکار عمل افکار عمومی جهانی را شگفت‌زده کردند؛ زیرا به موجب امضای این ابتکار عمل به ایجاد شبکه‌ای از موافقتنامه‌های دوجانبه منطقه‌ای در زمینه تبادل مالی متعهد شدند. این ابتکار عمل، آسه‌آن+۳ را از دیگر ترتیبات همکاری جویانه منطقه‌ای

1- Asian Monetary Fund (AMF)

2- Miyazawa Initiative

3- Chiang Mai Initiative



و فرامنطقه‌ای مجزا می‌کرد؛ زیرا بستر و جایگاهی بود که نه تنها هدف آن تحقق ثبات مالی و جلوگیری از گسترش بحران در منطقه شرق آسیا بود؛ بلکه کشورهای عضو آن آشکارا آمادگی خود را برای تخصیص بخشی از ذخایر مالی خود به این منظور اعلام کرده بودند (Hund, 2003: 407).

در راستای اجرای این ابتکار عمل، چین با امضای توافقنامه‌ای آمادگی خود را برای تخصیص دو میلیارد دلار به مبادله دوجانبه با دولت آسیب‌دیده تایلند اعلام کرد. چین هم به دنبال مذاکره با فیلیپین برای انعقاد قرارداد مشابهی با این کشور بود. از سوی دیگر، کره جنوبی هم به بحث و تبادل نظر درباره برقراری مبادلات دوجانبه با چین، مالزی، فیلیپین و تایلند پرداخت. بنابراین، دو سال پس از امضای ابتکار عمل چیانگ‌می یعنی در آوریل سال ۲۰۰۲، موافقتنامه‌های مبادله دوجانبه مالی به ارزش ۱۶ میلیارد دلار بین کشورهای منطقه به امضاء رسید. به‌رغم این تلاش‌ها، در مجموع می‌توان به این جمع‌بندی رسید که تمامی چشم‌اندازها و اهداف مندرج در ابتکار عمل چیانگ‌می محقق نشد. علت هم این بود که برخی از کشورهای شرق آسیا از جمله ژاپن تمایل چندانی برای تخصیص بخش قابل توجهی از ذخایر ارزی خارجی خود به توافقات مبادله دوجانبه با دیگر کشورهای منطقه نداشتند و از این سطح از مبادلات دوجانبه نمی‌توان انتظار قابل توجهی برای تقویت ثبات اقتصادی کل منطقه شرق آسیا داشت (Ibid.,: 409).

علاوه بر ابتکار عمل چیانگ‌می، وزرای مالی آسه‌آن+۳ در سال ۲۰۰۳ بحث و تبادل نظر در مورد یک ابتکار عمل جدید یعنی «ایجاد بازار آسیایی» را شروع کردند. این طرح را نخست‌وزیر وقت تایلند<sup>۱</sup> در اکتبر ۲۰۰۲ ارائه کرد. ابتکار عمل ایجاد بازار آسیایی به دستور کار مشترک بانک توسعه آسیایی، نشست رؤسای بانک‌های مرکزی شرق آسیا و پاسیفیک و گفتگوهای همکاری آسیا تبدیل شد. در همین راستا در نشست وزرای مالی آسه‌آن+۳، شش گروه کاری برای بحث و تبادل نظر بر سر

موضوعات کلیدی مثل **سازوکارهای** تضمین معتبر به منظور توسعه و ایجاد بازار منطقه‌ای شرق آسیا تشکیل شد (Suzuki, Op. Cit.,: 15-16)

باید توجه داشت که جلوگیری مؤثر از گسترش بحران از طریق مبادلات مالی و پولی منطقه‌ای، نیازمند نظارت اقتصادی و مالی مؤثر است. با وجود این، در ابتکار عمل چنانگ می جایگاهی برای ایجاد **سازوکارهای** نظارتی و هشدار بحران در نظر گرفته نشده بود. بنابراین، وزرای مالی آسه‌آن+۳ اهمیت تقویت نظارت بر وضعیت اقتصادی در منطقه را در اجرای موافقتنامه‌های مبادلات پولی و مالی را مورد شناسایی قرار داده و بر ایجاد یک گروه مطالعاتی در ارتباط با موضوع توافق کردند، اما شک و تردیدهای زیادی وجود داشته که دولت‌های عضو حاضر باشند اطلاعات حساس اقتصادی را ارائه کنند و این سازوکار نظارتی اجرا شود (Hund, 2003: 409).

### ۳-۴) همکاری‌های اقتصادی

در این حوزه نیز همکاری‌های اقتصادی و تجاری میان اعضاء به صورت چندلایه در چارچوب واردات و صادرات کالا، همکاری در زمینه پروژه‌های اقتصادی و توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه تجارت آزاد و ایجاد منطقه آزاد تجاری صورت گرفته است. همان‌طور که جداول شماره دو، سه و چهار نشان می‌دهند، بر اساس آخرین آمار منتشر شده<sup>۱</sup>: ژاپن اصلی‌ترین شریک تجاری آسه‌آن، دومین بازار خارجی و واردکننده محصولات آسه‌آن و بزرگترین صادرکننده کالا به آسه‌آن محسوب می‌شود. همچنین چین سومین شریک تجاری آسه‌آن، چهارمین بازار محصولات آسه‌آن و دومین صادرکننده کالا به کشورهای عضو آسه‌آن محسوب می‌شود و بالاخره کره جنوبی پنجمین شریک تجاری آسه‌آن، واردکننده محصولات آسه‌آن و صادرکننده کالا به آسه‌آن به حساب می‌آید.

۱- آمار مربوط به سال ۲۰۰۸، منتشر شده در سایت آسه‌آن.

جدول شماره ۲- (تجارت آسه‌آن با برخی از کشورها و مناطق که به ترتیب بیشترین تجارت را با آسه‌آن دارند/ محاسبه بر اساس درصد).

| میزان کل تجارت | میزان واردات | میزان صادرات | منطقه یا کشور |
|----------------|--------------|--------------|---------------|
| ۱۲/۴           | ۱۲/۹         | ۱۱/۹         | ژاپن          |
| ۱۱/۸           | ۱۰/۸         | ۱۲/۸         | اتحادیه اروپا |
| ۱۱/۳           | ۱۲/۹         | ۹/۷          | چین           |
| ۱۰/۶           | ۹/۶          | ۱۱/۵         | امریکا        |
| ۴/۴            | ۴/۹          | ۴/۰          | جمهوری کره    |
| ۳/۰            | ۴/۱          | ۲/۰          | استرالیا      |
| ۲/۸            | ۳/۶          | ۲/۰          | هند           |
| ۱/۵            | ۲/۰          | ۱/۰          | هنگ کنگ       |
| ۱/۴            | ۱/۲          | ۱/۶          | تایوان        |

منبع: دبیرخانه آسه‌آن

جدول شماره ۳- بزرگترین بازارهای خارجی محصولات آسه‌آن

| کشور یا منطقه | سهم (بر اساس درصد) |
|---------------|--------------------|
| اتحادیه اروپا | ۱۲/۸               |
| ژاپن          | ۱۱/۹               |
| امریکا        | ۱۱/۵               |
| چین           | ۹/۷                |
| کره           | ۴/۰                |
| استرالیا      | ۳/۸                |
| هند           | ۳/۴                |
| هنگ کنگ       | ۱/۹                |
| تایوان        | ۱/۱                |

منبع: دبیرخانه آسه‌آن

جدول شماره ۴- بزرگترین صادرکنندگان کالا به آسه‌آن

| کشور یا منطقه | سهم (بر اساس درصد) |
|---------------|--------------------|
| ژاپن          | ۱۲/۹               |
| چین           | ۱۲/۹               |
| اتحادیه اروپا | ۱۰/۸               |
| امریکا        | ۹/۶                |
| کره           | ۴/۹                |
| استرالیا      | ۲/۲                |
| هند           | ۲/۱                |
| تایوان        | ۱/۷                |
| عربستان سعودی | ۱/۴                |

منبع: دبیرخانه آسه‌آن

#### ۴-۴) پروژه‌های اقتصادی

در هر یک از سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱، وزرای اقتصاد آسه‌آن+۳ دو بار با یکدیگر ملاقات کردند. در دومین نشست وزرای اقتصاد آسه‌آن+۳ در سال ۲۰۰۰، وزیران اقتصاد اولویت حوزه‌های همکاری را مشخص کردند که مهم‌ترین آنها عبارت بود از: تقویت همکاری‌ها در زمینه تسریع تجارت، سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری و همین‌طور تقویت همکاری فنی در زمینه فناوری اطلاعاتی، تجارت الکترونیک، تقویت سرمایه‌گذاری‌ها و حمایت از صنعت. وزیران اقتصاد همچنین معیارهایی را برای اجرای پروژه‌های مذکور مورد تأیید و پذیرش قرار دادند (Suzuki, Op.Cit.,: 19).

در چهارمین نشست وزیران اقتصاد آسه‌آن+۳ در سال ۲۰۰۱، آنها در زمینه اجرای شش پروژه اقتصادی در زمینه انتقال فناوری اطلاعاتی توافق کردند. آنها یک سال بعد پروژه‌های جدیدی را تصویب کردند و از کارشناسان ارشد اقتصادی خواستند که بر روی امکان‌سنجی اجرای هفت پروژه دیگر تحقیق و پژوهش کنند و بالاخره در نشست سال ۲۰۰۳، ۱۲ پروژه جدید به تصویب وزیران اقتصاد آسه‌آن+۳ رسید (Ibid.).

در سطح آسه‌آن+۱ نیز مذاکرات جداگانه‌ای با وزیرانی اقتصاد و تجارت سه کشور ژاپن، چین و کره جنوبی صورت گرفت. در سال ۱۹۹۲ مذاکرات و مشاوره‌هایی با وزیر اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن، در سال ۱۹۹۹ با وزیر اقتصاد کره جنوبی و در سال ۲۰۰۲ با وزیر اقتصاد چین انجام پذیرفت. علاوه بر آن، در سال ۲۰۰۲ نخستین نشست وزیران اقتصاد و تجارت، در سطح+۳ (چین، ژاپن و کره جنوبی) در بروئی برگزار شد. نشست+۳ در ارتباط با پروژه‌های اقتصادی نبود و به مبادله دیدگاه‌ها درباره وضعیت تجاری بین‌المللی جاری که شامل دور جدید سازمان تجارت جهانی بود، محدود شده بود (Ibid.,: 21).

#### ۵-۴) موافقتنامه‌های تجارت آزاد و ایجاد مناطق آزاد تجاری

یکی دیگر از موضوعات مهم در زمینه همکاری‌های اقتصادی، انعقاد موافقتنامه‌های تجارت آزاد دوجانبه و چندجانبه و ایجاد مناطق آزاد تجاری میان کشورهای عضو آسه‌آن+۳ در سطوح مختلف مخصوصاً سطح آسه‌آن+۱ است. شاید بتوان گفت برای اولین بار چین علاقه‌مندی خود را برای انعقاد یک موافقتنامه ایجاد منطقه آزاد تجاری با آسه‌آن ابراز نمود و به دنبال آن موافقتنامه‌های دیگری در همین زمینه منعقد شد. چین خواهان آن بود که با امضای این موافقتنامه در آینده به یک بلوک ویژه تجاری منطقه‌ای تبدیل شود. بنابراین، در سال ۲۰۰۰ پیشنهاد خود را در اجلاس سران چین - آسه‌آن مطرح کرد (Kong, 2006: 840). در نوامبر سال ۲۰۰۰ نخست وزیر چین<sup>۱</sup> پیشنهاد تأسیس منطقه آزاد تجاری چین - آسه‌آن را ارائه کرد و پس از آن، یک گروه مطالعاتی برای بررسی امکان‌سنجی اجرای این طرح تشکیل شد. این گروه مطالعاتی گزارش نهایی خود را چند ماه بعد ارائه کرد و در اجلاس سران آسه‌آن+چین که در نوامبر سال ۲۰۰۲ برگزار شد، طرح پیشنهادی چین به امضای سران آسه‌آن+۳ رسید (Zhu, 2004: 232).

در راستای طرح پیشنهادی چین، در اجلاس سران آسه‌آن در سال ۲۰۰۰، طرح

تشکیل منطقه آزاد تجاری آسه‌آن+۳ توسط تایلند ارائه شد که در آن اجلاس، سران آسه‌آن+۳ به اتفاق نظر بر سر طرح تأسیس منطقه آزاد تجاری آسه‌آن+۳ نرسیدند و طرح ایجاد مناطق آزاد تجاری بیشتر در سطح آسه‌آن+۱ دنبال شد (Kong, Op.Cit.).

به موجب موافقتنامه ایجاد منطقه آزاد تجاری چین - آسه آن که در اجلاس سران آسه‌آن+۳ در سال ۲۰۰۲ به امضاء رسید؛ سران کشورهای عضو آسه‌آن و چین چارچوبی را برای ایجاد منطقه آزاد تجاری چین - آسه‌آن در طول مدت ۱۰ سال با شش کشور تایلند، مالزی، اندونزی، فیلیپین، سنگاپور و برونئی امضاء کردند و مقرر گردید که از اول ژانویه سال ۲۰۰۴ حذف تعرفه برخی از کالاها به صورت تدریجی به مرحله اجرا برسد. اعضاء همچنین توافق کردند که این منطقه آزاد تجاری با چهار کشور ویتنام، لائوس، کامبوج و میانمار در طول ۱۵ سال محقق شود (Chuan Ong, Op.Cit.,: 59).

در خلال مذاکرات آسه‌آن- چین در ارتباط با ایجاد منطقه آزاد تجاری، مذاکراتی هم به صورت دوجانبه میان چین و برخی از کشورهای عضو آسه‌آن در راستای برقراری تسهیلات تجاری صورت گرفت که منجر به انعقاد برخی موافقتنامه‌ها شد. به عنوان نمونه، چین و تایلند تصمیم به حذف تعرفه ۱۸۸ نوع محصول کشاورزی گرفتند که این طرح از اکتبر سال ۲۰۰۳ به مرحله اجرا رسیده است. این موافقتنامه یک توافقنامه دوجانبه برای ایجاد یک منطقه آزاد تجاری بین چین و تایلند نیست، بلکه موافقتنامه تجارت آزاد دوجانبه در رابطه با کاهش تعرفه برخی محصولات است که بین چین و تایلند منعقد شده است. سنگاپور نیز علاقه‌مندی خود را به گسترش روابط دوجانبه با چین قبل از تحقق منطقه آزاد تجاری آسه‌آن - چین بیان کرده است (Suzuki, Op.Cit.,: 22).

در واکنش به این استراتژی چین و در راستای رقابت دیرینه میان چین و ژاپن در منطقه، ژاپن نیز درصدد ایجاد یک منطقه آزاد تجاری با آسه‌آن در سطح آسه‌آن+۱ برآمد. در ژانویه سال ۲۰۰۲ نخست وزیر وقت ژاپن<sup>۱</sup> در یک سخنرانی پیشنهاد ابتکار عمل

1- Junichiro Koizumi

جدیدی با عنوان «مشارکت جامع اقتصادی آسه‌آن - ژاپن» را به منظور ایجاد منطقه آزاد تجاری ژاپن - آسه‌آن ارائه کرد (Ibid.,: 23).

در اکتبر سال ۲۰۰۲ وزارت امور خارجه ژاپن سندی را با عنوان «استراتژی ژاپن برای تحقق منطقه آزاد تجاری» منتشر ساخت که در آن آسه‌آن و کره جنوبی را به عنوان شرکای در اولویت خود در این زمینه مطرح ساخت. این سند از یک سو تمایل ژاپن به بحث و تبادل نظر با آسه‌آن بر سر موضوع تجارت محصولات کشاورزی، در اولین مرحله ایجاد منطقه آزاد تجاری را آشکار می‌ساخت و از سوی دیگر بیانگر رقابت ژاپن با چین در مورد تجارت محصولات کشاورزی با آسه‌آن بود (Chuan Ong, Op. Cit.,: 60). در ادامه، در اجلاس سران آسه‌آن+۳ در سال ۲۰۰۳ سران دولت‌های عضو آسه‌آن و ژاپن رسماً این طرح را تأیید کردند و موافقتنامه‌ای را در راستای ایجاد یک منطقه آزاد تجاری بین آسه‌آن و ژاپن امضاء نمودند. به دنبال آن ژاپن چند گروه کاری را برای مطالعه در مورد امکان‌سنجی ایجاد منطقه آزاد تجاری با سه کشور عضو آسه‌آن یعنی تایلند، فیلیپین و مالزی تشکیل داد (Suzuki, Op.Cit.,: 24).

در واقع، باید گفت آنچه که در عمل مشاهده می‌شود این است که ژاپن بیش از آن که به دنبال ایجاد منطقه آزاد تجاری با تمامی کشورهای حوزه جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) باشد، به دنبال انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه ایجاد منطقه آزاد تجاری با کشورهای توسعه‌یافته‌تر منطقه جنوب شرق آسیا یعنی تایلند، فیلیپین، سنگاپور، مالزی و اندونزی است. اما، چین برعکس به دنبال ایجاد منطقه آزاد تجاری با تمامی کشورهای منطقه اعم از توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته است. شاید بتوان این تفاوت مواضع را به موقعیت اقتصادی متفاوت این دو کشور در سازمان جهانی تجارت نسبت داد (Ibid.). همچنین باید بیان کرد که هم عوامل سیاسی و هم عوامل اقتصادی در این رقابت گسترده بین چین و ژاپن برای ایجاد منطقه آزاد تجاری با آسه‌آن و اتخاذ نقش رهبری و مدیریت منطقه آزاد تجاری شرق آسیا نقش دارند. به عنوان نمونه، بر اساس مطالعه مشترک گروهی از کارشناسان اقتصادی آسه‌آن، به موجب همکاری بین ژاپن و کشورهای عضو

آسه‌آن برای ایجاد منطقه آزاد تجاری، تا سال ۲۰۲۰ صادرات آسه‌آن به ژاپن به ۴۴/۲ درصد و صادرات ژاپن به کشورهای عضو آسه‌آن (منطقه جنوب شرق آسیا) به ۲۷/۵ درصد در مقایسه با سال ۱۹۹۷ خواهد رسید. همچنین مطالعه مشترک مشابهی توسط استادان اقتصاد آسه‌آن و چین صورت گرفته است که به موجب آن ایجاد منطقه آزاد تجاری آسه‌آن - چین منجر به افزایش ۴۸ درصدی صادرات آسه‌آن به چین و افزایش ۰/۳ درصدی در تولید ناخالص داخلی چین خواهد شد (Chuan Ong, Op.Cit.,: 60).

علاوه بر انعقاد توافقنامه‌هایی میان چین و ژاپن با کشورهای عضو آسه‌آن، برای ایجاد یک منطقه آزاد تجاری در سطح آسه‌آن+۱، در سطح ۳+ نیز این موضوع دنبال شده است. طرح ایجاد منطقه آزاد تجاری میان سه کشور ژاپن، چین و کره جنوبی را برای اولین بار نخست وزیر چین در نوامبر سال ۲۰۰۲ ارائه داد. اما، شایان ذکر است که ژاپن برخورد بسیار محتاطانه‌ای با این موضوع اتخاذ کرده است. از سوی دیگر، ژاپن و کره جنوبی نیز در اکتبر ۲۰۰۳ مذاکراتی را در این راستا شروع کرده‌اند. به علاوه، این که ژاپن در سال ۲۰۰۲ طرح ایجاد یک جامعه اقتصادی را ارائه کرد که در برگیرنده کشورهای عضو آسه‌آن، چین، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و نیوزیلند باشد، اما کشورهای عضو آسه‌آن+۳ با این طرح مخالفت کردند و بیان داشتند که موافق ایجاد منطقه آزاد تجاری صرفاً در حوزه جغرافیایی شرق آسیا (و نه پاسیفیک) هستند (Suzuki, Op. Cit.,: 25).

موضوع دیگر، عبارت از طرح ایجاد منطقه آزاد تجاری شرق آسیا است. تا چند سال قبل ایده تأسیس منطقه آزاد تجاری در شرق آسیا صرفاً یک تصور و خیال محسوب می‌شد که تأثیر چندانی بر روابط آسه‌آن+۳ نداشت. با وجود این، طرح چین برای تأسیس منطقه آزاد تجاری با آسه‌آن و اکنش ژاپن را برانگیخت؛ زیرا ژاپن نگران از دست دادن نفوذ خود بر منطقه در آینده بود. بنابراین، علاوه بر طرح ایده ایجاد منطقه آزاد تجاری آسه‌آن - ژاپن، طرح تحقق یک منطقه آزاد تجاری را تا سال ۲۰۱۰



در سطح آسه‌آن+۵ (که در برگیرنده تایوان و استرالیا نیز باشد) مطرح کرد. ارائه این طرح سبب طرح مناظرات جدیدی در منطقه بر سر ایجاد منطقه آزاد تجاری گردید. با این حال، استدلال ژاپن این است که ارائه این طرح گامی اولیه در راه ایجاد منطقه آزاد تجاری آسیا-پاسیفیک در سطحی وسیع‌تر باشد که در آینده شامل تایوان، آمریکا، استرالیا و نیوزیلند نیز بشود، اما به علت رقابت بین چین و ژاپن، آسه‌آن+۳ به شکل کنونی آن ظرفیت تبدیل شدن به یک بلوک یا جامعه اقتصادی را ندارد (Hund, 2003: 410).

یکی از موانع موجود بر سر تحقق منطقه آزاد تجاری شرق آسیا مواضع و دیدگاه‌های متفاوت دو کشور رقیب منطقه یعنی ژاپن و چین از یک سو و رقابت آنها بر سر رهبری و مدیریت این منطقه آزاد تجاری در شرق آسیا از سوی دیگر است. در واقع، ایجاد یک منطقه آزاد تجاری در شرق آسیا به عنوان نوعی از همگرایی، نیازمند رهبری و مدیریت قوی آن از سوی کشورهای منطقه است. اما، دو اقتصاد بزرگ منطقه یعنی چین و ژاپن با اختلاف نظرهای خود تحقق منطقه آزاد تجاری شرق آسیا را با چالش مواجه کرده‌اند. از سوی دیگر، همه اعضای آسه‌آن نیز موافق شکل‌گیری منطقه آزاد تجاری شرق آسیا نیستند و تحقق آن را به ضرر خود می‌دانند، زیرا اقتصاد کشورهای شمال شرق آسیا نزدیک به ۹۰ درصد کل اقتصاد منطقه را در دست دارد و در صورت تحقق این منطقه آزاد تجاری در شرق آسیا آسه‌آن به حاشیه رانده خواهد شد. برخی از کشورهای خارج از منطقه مثل ایالات متحده آمریکا نیز خواهان شکل‌گیری منطقه آزاد تجاری شرق آسیا نیستند، زیرا آمریکا بر این نظر است که منطقه آزاد تجاری شرق آسیا به رقیبی همچون اتحادیه اروپا برای موقعیت هژمونیک ایالات متحده آمریکا تبدیل خواهد شد (Tereda, 2003: 271-272, Tang, 2006: 69).

## ۵) فرصت‌ها و موانع پیش‌روی تحقق منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا

اگرچه برخی موانع درون-منطقه‌ای و برون-منطقه‌ای بر سر تحقق منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا وجود دارد، اما فرصت‌ها را نباید نادیده گرفت و می‌توان انتظار

رفع هرچه بیشتر موانع را در آینده داشت. مهمترین دلایلی که در این راستا می‌توان ارائه داد عبارتند از:

اول، در حالی که تنوع و تکثر موجود در منطقه را نباید نادیده گرفت، اما وجود برخی تهدیدهای مشترک سبب شکل‌گیری تجارب تاریخی مشترک و در نتیجه پیوندهای بیشتر کشورهای منطقه در جهت رفع این تهدیدات مشترک شده است. به عنوان نمونه، ظهور نظامی‌گری و سیاست‌های گسترش‌طلبانه منطقه‌ای ژاپن در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، عدم تعادلی سیاسی و اقتصادی ناشی از جنگ جهانی دوم در کشورهای منطقه، پیامدهای از بین رفتن استعمار در منطقه و ظهور ملی‌گرایی آسیایی، مردم منطقه شرق آسیا را با تجارب تاریخی مشابهی روبه‌رو ساخت. دو جنگ مهمی که از دهه ۱۹۵۰ در منطقه رخ داد (یعنی جنگ‌های ویتنام و کره)، کشورهای منطقه را در خط مقدم جنگ سرد قرار داد. بعد از این که منافع ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۹۷۰ در منطقه کاهش پیدا کرد، ژاپن درصدد جانمایی ایالات متحده در منطقه برآمد و خواستار توسعه سرمایه‌گذاری و تجارت خود در منطقه شد. توسعه شبکه‌های تجاری ژاپن در منطقه شرق آسیا در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ این موضوع را بسیار برجسته کرد که تجارب تاریخی مشترک مبنای مهمی برای توسعه منطقه‌گرایی میان کشورهای منطقه فراهم می‌کند (Stubbs, Op.Cit.,: 444).

دوم، علیرغم تفاوت‌های بسیاری که در منطقه شرق آسیا وجود دارد، اما برخی خصایص و ویژگی‌های فرهنگی مشترک در این منطقه وجود دارد، که صرفاً مختص این منطقه است. به عنوان نمونه لوسین پای اشاره می‌کند که جوامع شرق آسیا جایگاه ویژه‌ای را برای خانواده، اجتماع، جامعه، تناسب و همگونی اجتماعی و همین‌طور انجام وظیفه، سلسله مراتب و احترام به حاکمیت و قدرت مافوق قائل هستند. بنابراین، این ارزش‌های مشترک آسیایی می‌تواند به همگرایی اقتصادی عمیق‌تر در منطقه و شکل‌گیری نوعی هویت منطقه‌ای کمک کند (Beeson, 2003: 15).

سوم، بالاخره این که نوعی از سرمایه‌داری در منطقه شرق آسیا تحت تأثیر تجارب

تاریخی اخیر و تأثیرات نهادی و فرهنگی مشترک ظهور کرده است که کاملاً متفاوت از اشکال اروپایی و آمریکایی سرمایه‌داری است. این شکل شرق آسیایی سرمایه‌داری که به نحو فزاینده‌ای در کشورهای عضو آسه‌آن+۳ دیده می‌شود؛ ریشه در شبکه‌های تجاری ژاپنی و چینی دارد و ویژگی عمده آن ارتباطات تجاری قوی دولتی است. تأکید آن بر تولید به جای مصرف و نتایج به جای ایدئولوژی است. سرمایه‌داری شرق آسیا همچنین به‌جای این که بیشتر مبتنی بر حاکمیت قانون باشد مبتنی بر تعهدات اجتماعی و اعتماد اجتماعی است (Stubbs, Op.Cit.,: 445).

در رابطه با موانع هم باید گفت که اگرچه منطقه‌گرایی اقتصادی در منطقه جنوب شرق آسیا در چند سال گذشته توسعه پیدا کرده است، اما برخی موانع و محدودیت‌های درون-منطقه‌ای و برون-منطقه‌ای هم بر سر توسعه بیشتر همکاری‌های اقتصادی در منطقه شرق آسیا وجود دارد. مهمترین این موانع و محدودیت‌ها عبارتند از:

نخست این که برخی از کشورهای مهم منطقه درگیر منازعات سیاسی داخلی شده‌اند و این موضوع سبب شده تا این گروه از کشورها، همکاری‌های منطقه‌ای را از اولویت اهداف و برنامه‌های خود خارج ساخته و بیشتر به دنبال رفاه اقتصادی و ثبات سیاسی و اجتماعی خود باشند. به عنوان نمونه، اندونزی که به طور سنتی رهبری و مدیریت امور منطقه‌ای در جنوب شرق آسیا را بر عهده داشت، با برخی مشکلات و بحران‌های داخلی روبه‌رو شده است و به موضوعاتی که به نحوی به ثبات اجتماعی و سیاسی این کشور مربوط نمی‌شود، توجه چندانی ندارد. ژاپن هم از دیگر کشورهای مهم و کلیدی منطقه است که همان‌طور که قبلاً هم گفته شد موضوعات و مسائل منطقه‌ای را در درجه دوم اهمیت قرار داده است و توجه خود را بیشتر به حوزه‌های کلان‌تر در سطح جهانی یا حداقل در گستره جغرافیایی آسیا-پاسیفیک معطوف کرده است. فلیپین هم در زمان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۱ با برخی درگیری‌ها و رقابت‌های سیاسی دست و پنجه نرم می‌کرد. بنابراین، تا زمانی که این اعضای آسه‌آن+۳ توجه ویژه خود را به رفع مشکلات داخلی معطوف کرده و توجه چندانی به موضوعات منطقه‌ای نشان ندهند،

این امکان وجود ندارد که منبع مالی و یا زمان ویژه‌ای را به مباحث حوزه سیاستگذاری خارجی مثل آسه‌آن+۳ اختصاص دهند (Ibid.,: 451).

مشکل دوم هم یک مشکل درون‌منطقه‌ای است که به رابطهٔ اعضاء با یکدیگر و به صورت مشخص به رقابت گسترده بین کشورهای حوزه شمال شرق آسیا مخصوصاً ژاپن و چین مربوط می‌شود (Beeson, Op.Cit.,: 14). رقابت‌های گسترده‌ای که بین این دو قطب منطقه‌ای قدرت وجود دارد، تحقق منطقه‌گرایی عمیق اقتصادی در سطح گسترده آسه‌آن+۳ را با مشکل مواجه ساخته است. تا زمانی که این دو کشور رقابت‌های خود را در تشکیل آسه‌آن+۳ کنار نگذارند نمی‌توان شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای و یک نهاد تصمیم‌گیری منطقه‌ای را در قالب آسه‌آن+۳ انتظار داشت و آسه‌آن+۳ در بهترین حالت به عنوان بستری برای گفتگو میان اعضاء و نه یک سازمان و بازیگر منطقه‌ای خواهد بود (Hund, 2002: 63).

مشکل سوم هم مشکلی درون-منطقه‌ای است و به مخالفت بیشتر دولت‌های منطقه شرق آسیا با واگذاری اقتدار و حاکمیت خود به یک نهاد منطقه‌ای و سازوکارهای اجرایی آن مربوط می‌شود. از آن جایی که عدم اعتماد متقابل و ترس از تسلط همزمن منطقه‌ای یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روابط کشورهای شرق آسیا با یکدیگر محسوب می‌شود، نمی‌توان در آینده نزدیک تحقق همگرایی اقتصادی را در این منطقه انتظار داشت (Ibid.)، مگر آن که خود کشورهای منطقه با ارائه برخی راه‌کارها از جمله نظام رهبری و مدیریتی بخش به بخش، تخصص‌گرایانه (و نه کلان و جامع) به رفع این موانع اقدام کنند.

همان‌طور که در مورد قبل هم اشاره شد، به علت وجود رقابت‌های سیاسی میان کشورهای منطقه مخصوصاً ژاپن و چین، موافقتنامه‌های تجاری در سطح کل منطقه مثل ایجاد منطقه آزاد تجاری شرق آسیا (آسه‌آن+۳) به سختی به مرحلهٔ اجرا درآمده است. درحالی‌که، در حوزه‌های مالی همکاری‌ها بسیار سریع‌تر اتفاق افتاده و دنبال می‌شود (Kiat Yip, 2001: 111).

مخالفت ایالات متحده آمریکا با شکل‌گیری منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا هم از جمله موانع برون-منطقه‌ای تحقق منطقه‌گرایی اقتصادی در این منطقه محسوب می‌شود. آمریکا به عنوان مهم‌ترین بازیگر آپک خواستار اقتصاد جهانی باز و مخالف تقسیم اقتصاد جهانی به بلوک‌های منطقه‌ای از جمله بلوک اقتصادی شرق آسیا است (Stubbs, Op.Cit.,: 453). از سوی دیگر، پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۴۰ ژاپن به همراه چین به عنوان اولین قدرت اقتصادی در جهان مطرح شوند و این امر بر نگرانی‌های ایالات متحده مبنی بر از دست دادن موقعیت هژمونیک خود در جهان افزوده است.

امضای موافقتنامه‌های تجارت آزاد دوجانبه بین برخی از کشورهای منطقه (سنگاپور و ژاپن در ژانویه ۲۰۰۲، سنگاپور با نیوزیلند و اتحادیه اروپا)، موافقتنامه‌های مشارکت اقتصادی ژاپن با کره جنوبی، مالزی، تایلند و فیلیپین و همین‌طور موافقتنامه‌های ایجاد مناطق آزاد تجاری بین آسه‌آن-چین، آسه‌آن-ژاپن (تا ۲۰۱۲)، کره جنوبی-آسه‌آن (مذاکرات تا ۲۰۰۹ کامل شده است) و ... سبب طرح بسترهای همکاری بدیل برای منطقه‌گرایی در گستره آسه‌آن+۳ شده است (Stubbs, Op.Cit.,: 453; Suzuki, Op.Cit.,: 23).

## ۶) راهکارهایی برای رفع موانع پیش‌رو

اگر جامعه اقتصادی شرق آسیا بخواهد ایجاد شود، منطقه باید به یک بازار واحد تبدیل شود. نقطه شروع برای این کار ایجاد یک منطقه آزاد تجاری در گستره جغرافیایی شرق آسیا است که متشکل از یک اتحادیه گمرکی و یک بازار مشترک در شرق آسیا باشد. همان‌طور که گفته شد، ایجاد یک منطقه آزاد تجاری در شرق آسیا کار آسانی نیست؛ زیرا برخی دیگر از ترتیبات مشارکت اقتصادی و موافقتنامه‌های دوجانبه و چندجانبه ایجاد مناطق آزاد تجاری در سطح محدودتر وجود دارد که هر کدام از آنها قواعد و میزان تعرفه‌های خاص خودشان را دارند. برای تسهیل امر هر کدام از این ترتیبات باید قواعد یکسان و شفاف را در ارتباط با میزان تعرفه‌های خارجی، فهرست کالاهایی که مشمول برون‌گذاری می‌شوند، یکسان‌سازی استانداردها، رویه‌ها و قاعده‌مندی‌ها انجام دهند و این همگرایی به سمت قواعد مشابه و واحد، نرخ‌های تعرفه مشترک، قواعد و

استانداردها بسیار مطلوب است (Suzuki, Op.Cit.,: 42).

حوزه دوم به میزان مبادلات مربوط می‌شود. انواع رژیم‌های نرخ مبادله در منطقه شرق آسیا وجود دارد و اقدامات مؤثر و منسجمی برای همسان‌سازی نرخ مبادلات صورت نگرفته است. با توجه به میزان فزاینده وابستگی متقابل اقتصادی در میان اقتصادهای شرق آسیا از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری و گردش‌های مالی؛ حفظ ثبات نرخ مبادله درون-منطقه‌ای بسیار مهم است و این امر نیازمند هماهنگی سیاست‌گذاری میان قدرت‌های پولی و مالی منطقه است. تعدیل نرخ مبادله یک کشور می‌تواند پیامدهای جدی را برای اقتصاد کشور همسایه به دنبال داشته باشد و بنابراین نیاز به هماهنگی سیاست‌گذاری قدرت‌های منطقه در تعیین نرخ مبادلات وجود دارد؛ زیرا اساساً ثبات نرخ مبادله درون منطقه‌ای امری حیاتی برای ثبات اقتصادی و رشد اقتصادی آن منطقه محسوب می‌شود (Kawai, 2005: 43).

حوزه سوم عبارت از همکاری‌های مالی است. همکاری‌های مالی میان کشورهای منطقه اگرچه به علت وقوع بحران مالی آسیایی بسیار گسترده‌تر از دیگر حوزه‌ها بوده است،<sup>۱</sup> اما نیازمند تحقق برخی ایده‌ها و ابتکار عمل‌های جدید همچون ایجاد انواع سبد ارزی و پولی مشترک است (Soesastro, 2001: 12).

از سوی دیگر، تنوع و گوناگونی نمی‌تواند به عنوان یک مانع جدی برای تحقق منطقه‌گرایی اقتصادی در منطقه شرق آسیا محسوب شود. علیرغم وجود ناهمگنی‌ها و تفاوت‌ها در نظام‌های اجتماعی و اقتصادی کشورهای منطقه، آنها به نحو فزاینده‌ای به این واقعیت پی برده‌اند که منطق اقتصادی عامل بسیار مهمی برای تقویت چارچوب‌های منطقه‌گرایی و تحقق همگرایی اقتصادی، مالی، اجتماعی، تجاری و فرهنگی به شمار می‌رود. آنها تاکنون از همکاری‌های اقتصادی بسیار منتفع شده‌اند و باید به دنبال گسترش این همکاری‌ها به منظور تحقق همگرایی و رسیدن به هویت آسیایی مشترک باشند.

از سوی دیگر، برای ایجاد جامعه شرق آسیا باید اعتمادسازی بین دو کشور چین و

۱- به نحوی که یکی از پژوهشگران منطقه‌گرایی در شرق آسیا به نام ریچارد هیگت (Richard Higgott) از ظهور «منطقه‌گرایی پولی جدید» سخن به میان آورده است.

ژاپن صورت گیرد، زیرا بدون آن، این جامعه در شرق آسیا ایجاد نخواهد شد. بنابراین، چین و ژاپن می‌توانند اقدامات ذیل را برای اعتمادسازی صورت دهند:

چین و ژاپن باید مسائل و اختلافات تاریخی خود را حل کرده تا بتوانند اعتماد متقابل را میان خود ایجاد کرده و در جهت همگرایی بیشتر اقتصادی گام بردارند؛ دو کشور باید به عنوان دو شریک و نه دو رقیب با یکدیگر همکاری کرده تا زمینه تحقق همگرایی اقتصادی در منطقه فراهم شود.

چین و ژاپن باید به تقویت گفتگوها و مذاکرات راجع به سیاستگذاری اقتصادی منطقه‌ای، قواعد سرمایه‌گذاری، حفظ حقوق مالکیت فکری، مدیریت اقتصاد کلان، امنیت انرژی و غذایی و.... مبادرت ورزند (Kawai, Op.Cit.,: 51-51).

طرح منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا بسیار جامع و در برگیرنده حوزه‌های تجاری و مالی از قبیل تسهیل سرمایه‌گذاری، آزادسازی تجارت، همکاری‌های فنی، همکاری‌های مالی و .... می‌باشد. یکی از پژوهشگران این حوزه بنام تی<sup>۱</sup> پیشنهاد می‌کند که منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا باید دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

به شکل انجمن و کمیته‌ای باز و انعطاف‌پذیر باشد و نه مانند یک گروه یا بلوک انحصاری؛

ملاک عضویت در آن کارکردی (و نه سیاسی) باشد؛

رهبری آن موضوعی باشد؛

اتحاد و ائتلافی از کشورهای راغب و مایل به ورود به منطقه‌گرایی باشد و هیچ‌گونه

اجباری در عضویت آن وجود نداشته باشد (Soesastro, 2001: 13).

## ۷) نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد بعد از پایان جنگ سرد موج جدیدی از منطقه‌گرایی در جهان تحت تأثیر پدیده جهانی شدن آغاز شده است. منطقه شرق آسیا نیز از جمله مناطقی است که تحت تأثیر این امر قرار گرفته و گام‌هایی در جهت تحقق همگرایی منطقه‌ای

در آن برداشته شده است؛ و یکی از آنها تلاش برای ایجاد یک نهاد منطقه‌ای جدید در قالب آسه‌آن+۳ بوده است.

با وقوع بحران مالی و اقتصادی در شرق آسیا در سال ۱۹۹۷، این تلاش‌ها شتاب بیشتری به خود گرفت و بلافاصله پس از وقوع بحران اولین نشست نمایندگان کشورهای آسه‌آن+۳ در کوالالمپور تشکیل شد. از آن زمان تاکنون جلسه‌ها و نشست‌های متعددی به صورت منظم و در سطوح مختلف سران، وزیران امور خارجه، اقتصاد، مالی و کارشناسان ارشد حوزه‌های مختلف برگزار شده است که نتیجه آنها امضای موافقتنامه‌های متعدد در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه‌های اقتصادی و مالی است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین آنها توافق بر سر ایجاد جامعه شرق آسیا در نوامبر سال ۲۰۰۴، در خلال اجلاس سران آسه‌آن+۳ می‌باشد. این ایده مبین تحقق همگرایی میان کشورهای منطقه در چارچوب یک جامعه منطقه‌ای در حوزه شرق آسیا و به تعبیر دیگر شکل‌گیری نوعی هویت مشترک میان کشورهای منطقه شرق آسیا است. در راستای تحقق این هویت جمعی آسیایی، باید همکاری‌های وسیعی از سوی کشورهای منطقه در حوزه‌های مختلف صورت بگیرد و موانع گسترده درون-منطقه‌ای و برون-منطقه‌ای برطرف شوند. تحقق جامعه شرق آسیا، مشکل اما ممکن است و پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه همکاری میان کشورهای منطقه در حوزه‌های مختلف، از زمان طرح ایده منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا در سال ۱۹۹۱ تاکنون نشان‌دهنده آن است که می‌توان در آینده تحقق جامعه شرق آسیا را در قالب نوعی هویت جمعی آسیایی انتظار داشت.

## منابع

### لاتین:

- ASEAN (2009) "ASEAN Plus Three Cooperation", Revised As of 9 January 2009.  
 In: ASEAN Secretariat. Org  
 ASEAN (1992) The Singapore Summit Declaration of 1992, Singapore.  
 ASEAN (1995) The Bangkok Summit Declaration of 1995, Bangkok, 15 December.  
 Beeson, Mark (2003) "ASEAN Plus Three and the Rise of Reactionary Regional-



ism" Contemporary Southeast Asia.

Chairman Statement of the 11th ASEAN Plus Three Summit" Singapore , 20 November 2007.

Chairman Statement of the Ninth ASEAN Plus Three Summit" kuala Lumpur, 12 December 2005.

Chuan Ong, Eng (2003) "Anchor East Asian Free Trade in ASEAN". **The Washington Quarterly**. Vol.26, No.2, pp: 57-72.

<http://www.ASEAN Secretariat. Org>

Hund Markus (2002)"ASEAN and ASEAN plus Three: Manifestations of Collective Identities in Southeast and East Asia?" Diss, Trier 2002.

Hund, Markus (2003) "ASEAN Plus Three: Towards a New Age of Pan-East Asian Regionalism? A Skeptic's Appraisal" **The Pacific Review**. Vol. 16, No. 3. pp: 383-417.

Hussey, Antonia (1991) "Regional Development and Cooperation through ASEAN" **The Geographical Review**. Vol. 81, No.1, pp: 87-98.

Kawai, Masahiro (2005) "East Asian Economic Regionalism: Progress and Challenges" **Journal of Asian Economics**. pp: 19-50.

Kiat Yip, Wei (2001) "Greater East Asia: Prospects for Closer Economic Integration in East Asia", **Stanford Journal of East Asian Affairs**. Vol.1, No.1, pp: 106-111.

Kong, Qingjiang (2004) "China's WTO Accession and the ASEAN-China Free Trade Area: The Perspective of a Chinese Lawyer " **Journal of International Economic Law**. Vol. 7, No. 4, pp: 839-861.

Nesadurai, Helen (2003) *Globalization, Domestic Politics and Regionalism, (The ASEAN Free Trade Area)*. London and New York: Routledge.

Palmujoki, Eero (2001) **Globalization in Southeast Asia**. Great Britain: Palgrave.

Soesastro, Hadi (2001)"Whither ASEAN Plus 3?" Pacific Economic Cooperation Council (PECC) Trade Forum, Thailand: June 12-13.

Stubbs, Richard (2002) "ASEAN Plus Three: Emerging East Asian Regionalism?", **Asian Survey**. Vol. 42, No. 3, pp: 440-455.

Suzuki, Sanae (2004) "East Asian Cooperation through Conference Diplomacy: Institutional Aspects of APT Framework" IDE APEC Study Center, **Working Paper Series** 03/04. No. 7.

Tang, Shiping (2006) " Leadership in Institution Building: The Case of ASEAN+3" in: **Regional Integration in East Asia and Europe**. Ed by: Bertrand Fort and Douglas Webber. London: Routledge.

Terada, Takashi (2003) " Constructing an East Asian Concept and Growing Regional Identity: From EAEC to ASEAN+3", **The Pacific Review**. Vol. 16, No.2, pp: 251-277.

Zhu, Daojiong (2004)"The Politics of China-ASEAN Economic Relations: Assessing the Move Towards a Free Trade Area" in: **Asian Regional Governance (Crisis and Change )**. Ed. by Kanishka Jayasuriya. London: Routledge.